

روابط سیاسی و امنیتی روسیه و آمریکا در زمان ریاست جمهوری پوتین در اروپای شرقی (1998-2008)

حمید هادیان¹ - هستی سیف²

چکیده

نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد همچنان در حال گذار است. اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا قریب به نیم قرن بنابر سرشت و ساختار دو قطبی قدرت در دوران جنگ سرد به رقابت با یکدیگر پرداختند. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جدا شدن جمهوری‌های متعدد از آن کشور و تولد روسیه تغییرات زیادی در روابط دو کشور به وجود آمد. روابط آمریکا و روسیه در دوران ریاست جمهوری ولادمیر پوتین به خاطر نفوذ آمریکا در حوزه‌ی پیرامونی و تحت نفوذ روسیه شکل جدیدی به خود گرفت. مشارکت برای صلح از سوی ناتو با بروز اختلافات روسیه با آن سازمان و همچنین استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در جمهوری چک و لهستان از مسائل مهم و چالش برانگیز در روابط بین دو کشور بود. البته این اقدامات از سوی آمریکا، واکنش روسیه در قالب دیپلماسی انرژی و همچنین دیپلماسی تسلیحاتی را در پی داشت و در این میان اروپای شرقی مرکز ثقل تمامی این رخدادها بود و این ناحیه جایگاه قابل

1 استاد یار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز hadian@csr.ir

2 کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی hasti_seif65@yahoo.com

توجهی را در سیاستهای امنیتی کشورهای روسیه و آمریکا طی سالهای 2008-1998 به خود اختصاص داد.

واژگان کلیدی: روابط سیاسی و امنیتی، روسیه، آمریکا، اروپای شرقی، طرح مشارکت برای صلح ناتو، سپر دفاع موشکی، جمهوری چک، لهستان و

مقدمه

با فرو پاشی شوروی سابق، بسیاری کارشناسان، آغاز عصر جدیدی را نوید می‌دادند؛ لیکن این دوره، عمر چندانی نداشت و آمریکایی‌ها با طرح نظم نوین جهانی، توانایی خود را برای یکه تازی در عرصه بین‌المللی به رخ جهانیان کشیدند؛ در چنین فضایی روسیه نیز از صدر فهرست دشمنان آمریکا خارج شد و آمریکا با استراتژی گسترش ناتو به شرق و همچنین استقرار سپر دفاع موشکی در کشورهای جمهوری چک و لهستان همچنان سعی در کنترل و مهار قدرت روسیه داشت. نوشته حاضر روابط امنیتی دو قدرت آمریکا و روسیه در زمان ریاست جمهوری پوتین در منطقه اروپای شرقی را مورد بررسی قرار داده و در پی پاسخی به سوالاتی همچون: 1. آمریکا چه اقداماتی در منطقه شرق اروپا انجام داده است؟ 2. روسیه چگونه به اقدامات آمریکا واکنش نشان داده است؟ 3. تعاملات آمریکا و روسیه در منطقه چه نتایجی را به دنبال داشته است؟ می‌باشد.

فرضیه

روابط سیاسی و امنیتی روسیه و آمریکا در دوران ریاست جمهوری ولادمیر پوتین (2008-1998) تحت تأثیر طرح مشارکت برای صلح ناتو در قبال کشورهای واقع در اروپای شرقی و نیز استقرار سپر دفاع موشکی ایالات متحده در لهستان و چک به سمت تقابل سوق داشت.

متغیرهای مستقل

1- طرح مشارکت برای صلح ناتو در اروپای شرقی

2- استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا

متغیر وابسته

روابط سیاسی و امنیتی روسیه و آمریکا

چارچوب نظری و مبانی تئوریک

روابط سیاسی و امنیتی میان کشورها را در چارچوب نظریه‌ی رئالیسم ساختاری بهتر می‌توان تحلیل کرد. رئالیسم ساختاری نظریه‌ای است که کنت والتز مطرح کرده است. نو واقع‌گرایی بسیاری از ویژگی‌های واقع‌گرایی کلاسیک مانند دولت به عنوان بازیگر اصلی در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل و قدرت به صورت مفهوم تحلیلی-محوری را نگه داشته، ولی بیشتر به ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌المللی دولتها توجه می‌کند، نه به واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن. (قوام، 1386: 84) به عبارت دیگر، این ساختار است که بر رفتارهای واحدها اثر می‌گذارد و به آنها سمت و سو می‌دهد. کانون نو واقع‌گرایی، سیستم بین‌المللی است. بر این پایه، والتز به سود رویکرد واقع‌گرایانه استدلال می‌کند که این رویکرد بر پایه‌ی الگوهای روابط میان بازیگران در سیستمی بی‌بهره از یک قدرت برتر مرکزی استوار است. (دوئرتی و فالتزگراف، 1384: 197 و 196) نکته‌ی مهم این است که قدرت هم‌چنان کانون توجه نو واقع‌گرایان را تشکیل می‌دهد. (سیف زاده، 1384: 43)

1. سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا در منطقه اروپای شرقی

اروپای شرقی، منطقه‌ای در شرق اروپا که تا قبل از سال 1990 عضو پیمان‌های مربوط به بلوک شرق بودند امروزه این بلوک منحل شده و کشورهای این منطقه با توجه به محل جغرافیایی خود در شرق اروپا با این نام نامیده می‌شوند. دلایل اهمیت استراتژیک کشورهای اروپای شرقی در سیاست‌های روسیه و آمریکا را می‌توان این‌گونه برشمرد: روسیه کماکان منطقه اروپای شرقی را ناحیه تحت نفوذ خود دانسته و خواهان جذب یارن قدیمی خود است (نوری، 1389: 299). آمریکا نیز در سیاستی برگرفته از نظر آقای مکیندر که اروپای شرقی را قلب زمین دانسته و تسلط بر این ناحیه را تسلط بر کل جهان می‌داند و همچنین در راستای تحقق نظم نوین جهانی در پی تسخیر شرق اروپا برآمده است. (باگ بای، 1384: 530). و برای تحقق این امر اقدامات فوق را به کار بست:

الف: طرح مشارکت برای صلح ناتو

طرح گسترش حوزه فعالیت ناتو در خلیج از مرزهای 16 عضو اصلی در اروپای غربی در پایان نخستین نشست اعضای این پیمان پس از تحولات بلوک شرق طبق بیانیه‌ای منتشر گردید. (طاهری، 1383: 9).

ناتو برای به اجرا گذاشتن حوزه امنیتی و جغرافیایی خود از دو طریق اقدام کرد:

1- ایجاد نهادهای جدید فرامنطقه‌ای موسوم به شورای همکاری آتلانتیک شمالی (امینان، 1384: 15) و 2- دیگری اجرای طرح مشارکت برای صلح. (Roper: 1998).

ایده مشارکت برای صلح طرحی بود جهت ترغیب کشورهای غیر عضو ناتو برای توسعه همکاری‌های نظامی و دفاعی با این سازمان. (قائدی، 1380: 40). اهداف ناتو با به اجرا گذاشتن طرح فوق در موارد زیر خلاصه می‌شود: درگیر کردن کشورهای مذکور در امور و مسائل امنیتی اروپا از طریق پذیرش مشارکت آنها (ولی‌اللهی ملک‌شاه و جعفری، 1380: 70) انجام مشورت‌های مشترک به هنگام تهدید، مبادله اطلاعات و توسعه همکاری‌های نظامی و... . (NATO.Topic: 2007) به همین دلیل بسیاری از مقامات روسی معتقدند که این طرح بتدریج موضوع توسعه ناتو را در قلمرو شوروی سابق میسر می‌سازد بنابراین مغایر با منافع روسیه قلمداد می‌شود. (روشندل، 1375: 143) سرانجام، در سال 1999 میلادی سه کشور از

طریق « مشارکت برای صلح » به عضویت دائمی ناتو درآمدند و اعضای ناتو از 16 کشور به 19 کشور (با پذیرش کشورهای لهستان ، چک ، مجارستان) افزایش یافت . (قاندی، 1380: 43).

ب: سپر دفاع موشکی آمریکا در چک و لهستان

براساس طرح سپر دفاع موشکی زنجیره ای از صدها موشک رهگیر در برخی از پایگاه‌های زمینی و دریایی مستقر می شدند تا موشک‌های دشمن هنگامی که در مراحل اولیه پرتاب هستند و هنوز به حالت بالستیک درنیامده اند، قبل از رسیدن به خاک آمریکا رهگیری شده و مورد هدف قرار گیرند. در این راستا، ایالات متحده بر آن بود که با انجام این طرح به گفته‌ی خود، با خطر حمله‌های موشکی از سوی کره‌ی شمالی و برخی کشورهای خاورمیانه رویارویی کند. در مذاکرات مقدماتی ایالات متحده آمریکا و کشورهای لهستان و جمهوری چک در ژانویه 2006 موضوع استقرار سیستم دفاع ضد موشکی از سوی آمریکا در خاک این 2 کشور مطرح شد. هرچند این اقدام بلافاصله با واکنش تند روسیه مواجه شد، (محقق 1387: 50) ولی آمریکا به طرح استقرار دفاع موشکی خود در اروپای شرقی ادامه داد. می توان گفت منافع آمریکا کاملاً مشخص بود: خلع سلاح توان استراتژیک روسیه، و همچنین جلوگیری از نزدیکی میان اروپای قدیم و روسیه. (رومی 1387: 126).

2. واکنش روسیه به سیاست آمریکا در اروپای شرقی

الف: واکنش روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق: (دیپلماسی انرژی):

انرژی، عنصر اصلی در دیپلماسی روسیه است. روسیه، با دارا بودن حدود 22٪ کل گاز تولیدی جهان و همچنین در اختیار داشتن 6/1٪ از کل منابع نفت خام جهان و تولید بیش از 7 میلیون بشکه در روز، نقش زیادی در تأمین انرژی اروپا ایفاء می کند. (Goldman- stuart D) در سال 2001 توجه رهبری روسیه به اهمیت انرژی به عنوان عاملی در سیاست خارجی روسیه معطوف گشت. پوتین این دیپلماسی را جهت مقابله با گسترش ناتو به شرق به عنوان یک ابزار سیاسی به کار گرفت. (بارانوف، 1388: 7) مسکو قصد داشت از انرژی و صدور گاز به اروپا به

عنوان حربه استفاده کند: روس‌ها، بارها از طریق قطع صدور گاز به تنبیه کشورهای اروپایی به خصوص کشورهای اروپای شرقی پرداختند. (www.gazprom.ru/com)

ب: واکنش روسیه در قبال سپر دفاع موشکی: دیپلماسی تسلیحاتی:

با خروج جرج بوش از پیمان ضد موشک بالستیک 1972، در سال 2001 روسیه هم بلافاصله از این پیمان خارج شد و پیمان نیروهای متعارف اروپا را نیز به حالت تعلیق درآورد. می‌توان اقدامات روسیه در قالب دیپلماسی تسلیحاتیش در برابر استقرار سیستم دفاع موشکی به چند مورد دسته بندی کرد: ابتدا پیشنهاد غیرمنتظره پوتین در اجلاس سران هشت کشور عمده صنعتی در آلمان در سال 2007، مبنی بر استفاده مشترک از پایگاه رادار «گابال» (قبله) در جمهوری آذربایجان - که در اجاره روسیه است - و مخالفت آمریکا با آن. دلیل طرح پیشنهاد فوق از سوی روس‌ها این بود: اگر چه ایستگاه «گابال»، توانایی نظارت بر محدوده ای با شعاع 8 هزار کیلومتر از کانادا تا چین را داشت، اما در عین حال از طریق آن نمی‌شد خاک روسیه را زیر نظر گرفت. (بهمن، 1387: 21). دومین اقدام روسیه را می‌توان تقویت سازمان همکاری شانگهای عنوان نمود: اگر چه در «بیانیه تأسیس سازمان همکاری شانگهای» صادره در 20 ژوئن 2001 بر این نکته تصریح شده است که سازمان همکاری شانگهای اتحادیه ای علیه کشور یا منطقه دیگری نیست، اما نشانه‌های آشکاری وجود دارند که نشان می‌دهند سازمان همکاری شانگهای بطور روزافزونی در تقابل صریح با یکجانبه گرایی آمریکا و گسترش حضور و نفوذ آن در آسیای مرکزی قرار می‌گیرد. سومین اقدام برگزاری مانورهای مشترک با چین و فروش تسلیحات به این کشور است: از جمله مهمترین همکاری‌های نظامی در چارچوب سازمان همکاری شانگهای باید به همکاری‌های نظامی چین و روسیه با یکدیگر اشاره نمود. و آخرین اقدام فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای خاورمیانه به خصوص هند است: که دولت پوتین تقویت توانمندی‌های نظامی را عنصری مهم برای دستیابی روسیه به موقعیت قدرت بزرگ می‌داند و تلاش‌های خود برای به‌سازی و نوسازی این بخش را آغاز کرده است. در این حوزه فروش تسلیحات نظامی بحث مهمی است. هند در سال 2005 با 4/5 میلیارد دلار خرید اسلحه بزرگ ترین خریدار اسلحه در بین کشورهای در حال توسعه بوده است. (قره بلاغی، 1387: 5).

نتیجه گیری

در پایان باید گفت پوتین ارائه چهره ای دموکراتیک از روسیه در جهان، احترام به قانونمندی و پرهیز از مقابله جویی را سرلوحه ی کار خود قرار داد و در این چارچوب با غرب دشمنی نکرد. اگر چه سیاست دولت پوتین متوازن به سمت غرب و شرق بود، اما رویکرد دولت پوتین به سمت شرق محسوس تر بود. روسیه شرق اروپا را حوزه ی امنیتی خود می دانست و در مقابل آمریکا نیز آرام آرام قصد داشت وارد حریم خصوصی روسیه شود: استقرار رادار در چک و سپر دفاع ضد موشکی در لهستان یکی از اقدامات آمریکا در جهت حصول به این مقصود بود و همچنین گسترش ناتو به سوی شرق و مرزهای روسیه. البته روسیه هم همواره از انرژی به عنوان ابزاری در برابر گسترش ناتو به شرق استفاده کرد. و دستور تعلیق قرارداد نیروهای متعارف اروپا از جانب پوتین و همچنین دیپلماسی تسلیحاتی روسیه نشان داد که روسیه قدرتی است که نمی توان آنرا نادیده گرفت. این موارد چالش های میان روسیه و آمریکا در دوران ریاست جمهوری پوتین در اروپای شرقی بود. که روابط سیاسی و امنیتی میان دو کشور را به حالت واگرایی و تقابل با یکدیگر سوق داده بود.

منابع

- امینان ، بهادر. (1384)، «ناتو و گسترش آن»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین.
- بارانوف ، دمیتری ، «آینده صنایع اتمی روسیه»، سایت ایراس - به نقل از نی زاوی سی مایا گازی پتا ، کد مقاله: 1181.
- باگ بای، وسلی ام. (1384)، «روابط بین المللی آمریکا پس از جنگ جهانی اول (1999-1919)»، ترجمه اسماعیل شفیعی و عیدی محمد مختاری ، چاپ اول ، اصفهان ، انتشارات اندیشه نیکان.

بهمن ، شعیب. (1387)، «دکترین نظامی روسیه و رئالیسم روسی»، سایت ایراس 10.6.

دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرات. (1384)، «نظریه های متعارض در روابط بین الملل»، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ اول، تهران، نشر قومس.

روشندل، جلیل. (1374)، «مسائل نظامی و استراتژیک معاصر»، تهران: انتشارات سمت.

رومی، فرشاد. (1387)، «هدفهای آمریکا از برپایی سامانه پدافند ضد موشکی در شرق اروپا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره 253 و 254.

سیف زاده، حسین. (1384)، «نظریه هاوتئوری های مختلف در روابط بین الملل فردی و جهانی شده: مناسبات و کارآمدی»، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

طاهری، . (1383)، «گسترش ناتو پس از جنگ سرد»، همشهری دیپلماتیک، شماره 29.

قائدی، محمدرضا. (1381)، «استراتژی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق»، مجله پژوهش، شماره 24.

قره بلاغی، پیمان. (1387)، «هند ابر قدرت قرن 21»، روزنامه سرمایه، سال سوم، 7.21، شماره 455.

قوام، عبدالعلی. (1386)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل»، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

کوزیرف، آندره. (1382)، «مشارکت یا صلح سرد»، ترجمه بدرالزمان شهبازی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره 14، 1382.

محقق، رضا. (1387)، «سپر دفاع موشکی و آغاز تنش بین روسیه و آمریکا»، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال نهم، شماره 88-89.

نوری، علیرضا. (1389)، «سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین (اصول و روندها)»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.

ولی اللهی ملک‌شاه، حبیب الله و جعفری، احمد. (1380)، «ریشه‌های بحران کوزوو و دخالت نظامی ناتو»، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

Crisis management: "What does it mean in practice.NATO Topics"
(2007) www.otan.nato.int/issues/crisis_management/practice.htm
Roper, John (1998), "Nato's New Role in Crisis Management" ,
Available <http://www.ciaonet.org/wps/roj/index.htm>.
www.gazprom.ru/C:2006.9.20 .
Goldman, Stuart D. (2007) , "Crs Report for Congress Russian Political" ,
Economic & Security Issues and US Interests.

